



آیت‌الله استاد علامه محمدتقی جعفری گرچه بیشتر محقق و اندیشمندی اهل فلسفه، کلام و عرفان شناخته شده است، اما با نیم‌نگاهی به آثار گرانسنگ بجای مانده از او و گواهی بسیاری از صاحب‌نظران برجسته، در حوزه فقه و حقوق اسلامی نیز چون سایر زمینه‌ها ژرف‌اندیشی‌ها و نواندیشی‌های شجاعانه و راهگشای فراوانی داشته‌اند که تاکنون بخش اندکی از آن به جامعه علمی ارائه شده است. که از آن جمله می‌توان به جلد اول کتاب ارزشمند رسائل فقهی اشاره کرد.

استاد در این کتاب به چند مسئله مهم و مبتلا به که همچنان ابهامات و سوالات زیادی حول آن وجود دارد پرداخته‌اند که مطالعه و دقت‌نظر محققان در آنها می‌تواند برای جامعه علمی ما و مسلمانان راهگشا باشد.

بخشهای عمده این کتاب شامل بحث‌هایی پیرامون: طهارت اهل کتاب، حکم ذبایح اهل کتاب، عدم انحصار زکات در موارد نه‌گانه، قاعده لاضرر و لاضرار، حلیت و حرمت گوشت انواع حیوانات، حقوق حیوانات در فقه اسلامی، کیفر سرقت در اسلام، مقایسه حقوق بشر در اسلام و غرب و تطبیق آن‌دو با یکدیگر، بحثی پیرامون امر بمعروف و نهی از منکر، حرمت سقط جنین، مسئولیت مدنی ناشی از جرم کودکان بزهکار در فقه و حقوق اسلامی و متن استفتائات از استاد درباره: (بیماریهای علاج‌ناپذیر بر مبنای قواعد پزشکی، انتقال دادن نطفه مرد به رحم زن، عمل قاضی به علم خود در قضا و ماهیت طنز در فرهنگ دینی) می‌گردد.

اکنون به اختصار به مباحث هر یک از بخشهای مزبور اشاره خواهیم داشت:

۱- طهارت اهل کتاب

از دیرباز مسئله نجاست اهل کتاب که در چند قرن اخیر اکثر مراجع بزرگ تقلید در رساله‌های عملیه خود به آن فتوا داده بودند یکی از مهمترین مسائل مبتلا به سیاسی، اجتماعی و عبادی ما بوده است. که بنظر مسبب ایجاد سختی برای مسلمانان در داخل و خارج از کشور اسلامی و مانع وحدت عملی در راستای مشترکات ادیان آسمانی بوده و همچنان می‌باشد.

استاد در این مبحث ضمن دقت نظر و عمق‌نگری به مأخذ و منابع مربوطه، به حل این مشکل پرداخته و ضمناً تفسیر جدیدی از فتوای علماء شیعه ارائه نموده‌اند.

خلاصه نظر استاد در این باره عبارتست از:

الف: مقصود از نجاست اهل کتاب، نجاست عرضی است نه ذاتی. بدین معنا که اگر اهل کتاب با اشیاء و

نگاهی به کتاب

رسائل فقهی

روشگاه علوم انسانی و مطالعات

تیمار مع علوم انسانی

- رسائل فقهی (جلد اول)
- استاد محمدتقی جعفری
- مؤسسه نشر کرامت
- چاپ اول: ۱۳۷۷ / ۳۰۰۰ نسخه
- قطع وزیری / ۳۵۶ صفحه
- قیمت: ۱۲۰۰ تومان

● رضا غلامی



استاد در این کتاب به چند

مسئله مهم و مبتلا به که همچنان

ابهامات و سؤالات زیادی

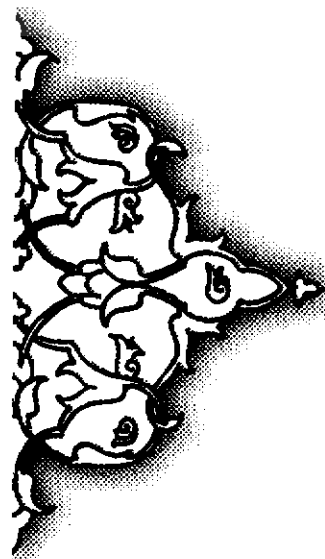
حول آن وجود دارد پرداخته‌اند

که مطالعه و دقت نظر محققان

در آنها می‌تواند

برای جامعه علمی ما و مسلمانان

راهگشا باشد.



حیواناتی که از نظر اسلام نجس می‌باشند تماس برقرار کند، عدم تماس با آنها به دلیل نجاست واجب می‌گردد، در غیراینصورت مراد و تماس با آنها بلامانع بوده و موجب نجاست نمی‌شود. همچنین منظور از پلید یا نجس در قرآن مجید مشرکان (شُرک اعتقادی) می‌باشند نه کافران و با توجه به فرق بین ایندو، حکم یکی به دیگری سرایت نمی‌کند.

همچنین استاد حکم تحریم معاشرت با اهل کتاب از ناحیه معصومان (ع) را مربوط به مقتضیات خاص زمانی دانسته‌اند که معاشرت با آنها موجب انحراف اخلاقی و اعتقادی و تضعیف ایمان مسلمانان می‌گردیده است.

یکی دیگر از مباحثی که در این بخش بدان پرداخته شده است، طهارت یا نجاست معتقدان به مذاهب دیگر غیر از اهل کتاب می‌باشد که امروزه بخش معتنایی از جمعیت جهان را شامل می‌شود، که از آن جمله می‌توان به: بودائیها، مانویها، سیکها، هندوها و مکاتب مادی‌گرایی دیگر اشاره کرد که اهمیت پرداختن به این موضوع نیز کمتر از موضوع طهارت اهل کتاب نیست.

خلاصه نظر استاد در این باره عبارت است از اینکه: اگر این مذاهب حقیقتاً دارای کتاب و پیامبر خدا بوده‌اند و اینک در اثر گذشت زمان و وارد شدن خرافات و اوهامات، مذاهب آنان به این شکل تغییر یافته است، حکم اینها نیز مانند حکم اهل کتاب است که گذشت. در غیراینصورت اگر داشتن کتاب و پیامبر الهی برای برخی از آنها اثبات نشد همچنین اگر آنها به اصول فطری ادیان آسمانی چون وجود خدا، معاد و پیامبر خدا بر روی زمین (اگرچه به عنوان حکماء و مصلحین معرفی بشوند) اعتقاد داشته باشند، اینها نیز شبیه اهل کتاب خواهند بود و همان حکم بر آنها نیز جاری می‌شود. در غیرصورت‌های فوق چه آنان که درصدد انکار قطعی خدا، معاد و پیامبر خدا بر روی زمین بر می‌آیند و چه آنها که بطور قطعی منکر وجود خدا و... نیستند، اینها همه از کلیه حقوق انسانی و شخصیت انسانی به معنای عمومی بهره‌مندند ولی نمی‌توان حکم آنها را به حکم اهل کتاب سرایت داد. ضمن آنکه با توجه به اجماعی بودن مدرک نجاست مشرکان، نجس دانستن آنها نیز از این حیث قابل تأمل، و خدشه‌پذیر است.

۲- عدم انحصار زکات در موارد نه‌گانه

با نگاهی اجمالی به آیاتی از قرآن مجید و روایاتی از معصومان (ع) که به موضوع زکات پرداخته است، در می‌یابیم که زکات در اسلام هم شأن نماز به عنوان ستون دین و از شروط ایمان مذهبی شناخته شده و بر آن تأکیدات بسیاری شده است. پر واضح است فلسفه

زکات در اسلام در راستای ریشه کن شدن فقر تنگدستی و تحقق اصل مهم «عدالت اجتماعی» در جامعه اسلامی است. اما انحصار پرداخت زکات در موارد نه‌گانه آنها پس از گذشت صدها سال از آغاز که محصولات جدیدی هم تراز با موارد نه‌گانه به عنوان منابع مهم زندگی مردم وجود دارد، مسأله‌ای است که در فلسفه زکات در اسلام مغایرت داشته و به تحقق اهداف پرداخت زکات از ناحیه مسلمانان کمتر کمک می‌کند. در این راستا ایشان با عنایت ویژه به «فلسفه احکام» که بعضاً مورد غفلت واقع می‌شود به عدم این انحصار نه‌گانه معتقد گردیده‌اند.

خلاصه نظر ایشان در این باره عبارت است از اینکه: لازم است برای بسط و گسترش قلمرو زکات زکات را در شمار احکام منصوص العله دانست. لذا استاد در این مبحث به بررسی روایاتی پرداخته‌اند که به علت وجود زکات پرداخته‌اند. بر این اساس فلسفه پرداخت زکات از نظر معصومان (ع) ریشه کن شدن فقر تنگدستی است، پس می‌توان بر همین مبنا وجود زکات را به موارد دیگری نیز تعمیم داد.

۳- قاعده لاضرر و لاضرار

درباره اهمیت این قاعده اجمالاً باید گفت که اصل وضع این قاعده در فقه که شامل تمامی احکام موضوعی می‌گردد نشانگر عقلانیت حاکم بر فقه و حقوق اسلامی است و بر این اساس بسیاری از معضلات ناشی از تراخ حقوق فطری و تشریحی مرتفع می‌گردد. ضمن آنکه ایز قاعده برای عملیات استنباط حکم شرعی خاصیتها و دیگری نیز دارد.

استاد در خصوص معنای این قاعده فقهی فرموده‌اند: معنای «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» این است که در حقوق و به طور عموم در فقه اسلامی، حکم ضرری وضع نشده و هر حکم که اصل وجود یا توسعه و استمرار آن مستلزم ضرر و ضرار بوده باشد در اسلام منقح است. به عبارت دیگر این یک حکم کلی جهانی است که در دین اسلام مقرر شده است که احکام موضوعه نیاستی به ضرر و ضرار منجر گردد حتی می‌توان گفت که اگر مسلمانان ببینند که ۲ گروه غیرمسلمان در حال اضرار به همدیگر هستند بایستی مسلمانان جلوگیری نمایند. (ص ۸۷)

در این مبحث مطالب ذیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که برخی از این مباحث مقدمه ورود به مبحث اصلی یعنی قاعده لاضرر و لاضرار می‌باشد.

مقدمه‌ای در تعریف قاعده، دلیل یا اماره، عمومیت مفاد دلیل، احکام کلی، قواعد یا (اصول محرز)، اصل: چند مثال از قواعد: (قاعده الزام، قاعده تلازم میان مالکیت شیئی و اقرار درباره آن، قاعده اقرار، قاعده ید

قاعده علی‌الید، قاعده ضمان مثلی بمثلی قیمی بقیمی، قاعده فراغ و تجاوز، قاعده تلف بیش از قبض) قاعده لاضرر و لاضرار، صورت قاعده نفی حرج و مدرک فقهی آن، معنای حرج غیر از عدم قدرت عقلانی است، تفاوت ضرر با حرج، نفی حرج فقط می‌تواند تکلیف را مرتفع بسازد، قانون کلی در موارد تراحم حرج و ضرر، منابع فقهی لاضرر و لاضرار، اقسام ضرر، اکنون به برخی از مطالب این بخش اشاره می‌کنیم:

استاد در بیان معنای قاعده نفی حرج که چون قاعده لاضرر و لاضرار یکی از قواعد اساسی فقه و همچنین نشانه عقلانیت فقه اسلامی است، می‌فرماید: «مقصود از حرج، عدم قدرت عقلی نیست بلکه مشقت و ناراحتی است، اگرچه عقلاً انجام آن کار مشقت‌بار امکان‌پذیر بوده باشد زیرا اگر مقصود عدم قدرت عقلی بوده باشد، هم در آیات دیگر مورد تذکر قرار گرفته است و هم از نظر عقلی، بدیهی‌ترین اصل تمام عقلای دنیا است. اما از نظر عقلی هیچ تردیدی در این نیست که انجام تکلیفی که غیر مقدور است به هیچ وجه قابل مطالبه نمی‌باشد، لذا در فقه اسلامی، قدرت عقلی بر انجام تکلیف یکی از شرایط عمومی محسوب می‌گردد و احتیاجی به وضع قانونی برای اینکه اثبات کند که قدرت عقلی شرط انجام تکلیف است وجود ندارد. از این بیان چنین نتیجه‌گیری می‌شود که مقصود از حرج در قاعده «نفی حرج» همان مشقت معمولی است اگرچه عقلاً قابل تحمل بوده باشد. استاد در ادامه فرموده‌اند: اگرچه در ادله‌ای که برای مدرک قاعده نفی حرج ذکر کردیم مسأله وارد ساختن حرج به دیگری مطرح نبود ولی با ملاحظه اینکه تسلط انسانی به نفس خود مشروط به نبودن حرج است یعنی انسان نمی‌تواند با تمسک به مالکیت طبیعی برخورد، کار مشقت‌بار را به عنوان وظیفه‌ی خدایی برخورد هموار نماید، ممنوعیت وارد ساختن حرج به دیگران روشنتر و حتمی‌تر خواهد بود.

همچنین استاد در راستای تبیین تفاوت ضرر با حرج می‌فرمایند: ضرر عبارت است از نقص وارد به یک حالت معتدل یا نظر به علل و معلولات مناسب، اعم از طبیعی و قراردادی، در صورتی که حرج به معنای مشقت و زحمت و ناراحتی معمولی می‌باشد. لذا از یک جهت ضرر عمومی‌تر از حرج است، زیرا ممکن است ضرری از نظر ناچیزی بالنسبه به یک شخصی با اینکه ضرر است موجب مشقت نبوده باشد و همچنین ممکن است حرج یعنی مشقت در ضمن ضرر بوده باشد و ممکن است موجب هیچگونه ضرری نبوده باشد، فقط برای انسان مشقت‌بار بوده باشد...

۴- حلیت و حرمت گوشت انواع حیوانات

۵- حقوق حیوانات در فقه اسلامی

در بخش چهارم این کتاب ارزشمند استاد ضمن اشاره به انواع حیوانات ماکول اللحم دریایی و پرندگان و حیوانات خشکی به اصل اولی در گوشت تمامی حیوانات اشاره می‌کنند که عبارت است از اینکه: اگر ملاک مالکیت، که در دین مقدس اسلام گوشزد شده است در حیوانی وجود نداشته باشد، آن حیوان قابل تزکیه برای خوردن نیست. مشهور این است که اگر تزکیه برای حیوانی مقرر نشود هیچ‌گونه استفاده‌ای از آن نمی‌توان کرد. این همان اصل عدم جعل تزکیه است زیرا حکم به تزکیه احتیاج به دلیل دارد و در هر مورد که دلیلی نباشد اصل حرمت است. اینکه تزکیه احتیاج به احراز دارد شاید معلول علل در اصل اولی بوده باشد که می‌گوید: هر حیوانی را نمی‌توان کشت مگر مجوز قانونی داشته باشد و این حکم جهت ضرر جسمانی یا معنوی است که در گروهی از حیوانات وجود دارد.

همچنین در بخش پنجم استاد به حقوق حیوانات از نظر اسلام اشاره داشته‌اند. استاد در این مبحث به ۳۲ اصل در راستای عنایت اسلام به حقوق حیوانات اشاره داشته‌اند. امروزه که شیباتی مبنی بر نادیده گرفتن حقوق حیوانات از ناحیه مسلمانان از سوی غرب مطرح می‌شود، این مبحث می‌تواند به بسیاری از این شباهت پاسخگو باشد.

۶- کیفر سرقت در اسلام

بدون تردید مجازاتی که اسلام برای سرقت وضع نموده است بر فلسفه‌ای روانشناختی و جامعه‌شناختی استوار می‌باشد، اما فلسفه آن تاکنون مورد پژوهش کامل و جامع قرار نگرفته و لذا کاملاً هویدا نمی‌باشد. امروزه شباهت‌های متعددی در این خصوص وجود دارد که بی‌پاسخ مانده است از جمله آن شباهت‌ها: وضع کیفر سرقت متناسب با مقتضیات خاص زمانی و لزوم تغییر آن متناسب با زمان حال یا موجب وهن اسلام شدن در حال حاضر و یا موجب هتک حرمت انسان شدن و امثالهم در عین حال اجراء حد سرقت (بریدن دست) در شریعت اسلامی بر اجتماع ارکان و شرایطی بسیار دقیق مبتنی گردیده که حتی ممکن است پنداشته شود ارتکاب سرقت در اسلام فاقد مجازات می‌باشد!!

استاد در این مبحث به تبیین این ارکان و شرایط پرداخته‌اند و عنوان داشته‌اند که اگر هر یک از این شرایط وجود نداشته باشد، عمل سرقت محقق نشده و امکان اجراء حد وجود ندارد و در صورت لزوم فرد تنها مورد مجازات تعزیری آنهم بدلیلی غیر از دلیل سرقت قرار می‌گیرد. این شرایط عبارت است از:

۱. مالکیت (شیء مسروق) ۲. نصاب (به حد نصاب رسیدن مال) ۳. نداشتن حق در مال ۴. عدم شرکت در مال ۵. نبودن عنوان. امانت ۶. وجود ضرر ۷. ربودن

پنهانی ۸. مباشرت کامل ۹. نبودن عنوان فریب ۱۰. عدم عنوان ایوبیت ۱۱. علم به حکم و موضوع ۱۲. تحقق مادی سرقت ۱۳. بلوغ به سن قانونی ۱۴. اعتدال روانی ۱۵. اختیار ۱۶. عدم اضطرار عمومی ۱۷. حصول مالکیت بر مال مسروق از ناحیه سارق ۱۸. اگر سارق قبل از محاکمه توبه کند حد ساقط می‌شود ۱۹. عدم اقرار سارق نزد حاکم به سرقت و متعاقباً عدم توبه ۲۰. ارباب سارق ۲۱. دوبار اقرار صریح سارق ۲۲. اثبات سرقت مبتنی بر غیر اقرار متهم ۲۳. اجرای حد موقوف است به مطالبه مالک مال مسروق ۲۴. بر حاکم است که تا می‌تواند متهم را از اقرار صریح به ارتکاب سرقت باز دارد ۲۵. عروض هر شبهه‌ای اعم از موضوعی و حکمی در هر یک از ارکان سرقت موجب سقوط حد است ۲۶. مسائل مربوط به ارکان تشکیل‌دهنده و فروع سرقت (منحصر به مطالب مزبور نیست و برای تحقیق جامع آن باید به کتابهای حدود مراجعه کرد.

در آخر این مبحث استاد اینچنین نتیجه‌گیری فرموده‌اند:

۱. این حکم به منزله شمشیر برهنه‌ای است که به دست فرشته چشم بسته عدالت بالا رفته است بی‌آنکه به روزگاری دراز بر سر کسی فرود آید...

۲. اگر سارق پس از مجازات واقعاً توبه کند بدون تردید همچنان در پیشگاه الهی شخصیت انسانی خود را باز می‌یابد، از حیث اجتماعی نیز حیثیت او اعاده می‌شود و در صورت استجماع شرایط می‌تواند متصدی والاترین مقامات اجتماعی گردد.

۳. دست بریده سارق که با عنایت به شرایط تحقق سرقت منتهی به اجرای حد گشته باید از مظاهر تامه عنوان انسان ضد اجتماعی دانست که به خودی خود عاملی است عمده در جهت پیشگیری از جرایم...

۷. مقایسه حقوق بشر از دیدگاه غرب و فقه و حقوق اسلامی:

در این مبحث مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر در اسلام، پیشنهادی و مصوب سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۹۰ با اعلامیه حقوق بشر مصوب سازمان ملل متحد مقایسه و تطبیق شده است که روش بحث به شرح ذیل می‌باشد:

ابتداء حق اساسی کلی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است سپس ماده مربوطه به آن از اعلامیه اسلامی و اعلامیه سازمان ملل ذکر گردیده و آنگاه مشترکات هر ۲ مطرح می‌شوند. در مرحله نهائی تفاوت‌های موجود بین دو نظام و امتیازات حقوق اسلامی بیان شده است. عناوین حقوق اساسی کلی در اسلام که میانی حقوق بشر اسلامی را تشکیل می‌دهند



و سیر مباحث بر اساس آنها آورده شده است عبارتند از:
 ۱. حق حیات شایسته ۲. حق کرامت ۳. حق تعلیم و تربیت ۴. حق آزادی مسئولانه ۵. حق مساوات در مقابل قوانین.

بدون تردید تحمیل یک جانبه حقوق بشر بر مبنای فرهنگ و ارزشهای غربی که مبتنی بر مبانی فکری و بستر اجتماعی خاصی می باشد بر کشورهای اسلامی که خود را به رعایت اصول و ارزشهای مذهبی پایبند می دانند قابل قبول نمی باشد. در عین آنکه مشترکات فراوانی بین حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر غربی وجود دارد، بنظر ما اسلام به حقوق حقه و واقعی انسان متناسب با شأن و شخصیت جامع ابعاد وجودی انسان، توجه بیشتری دارد و لحاظ آن در جامعه مربوطه اهداف اخلاقی و انسانی دین را محقق می سازد. تطبیق موشکافانه این ۲ حقوق مدون توسط استاد مبتنی بر دید جامع نگر و عمیق استاد نسبت به اسلام و غرب است و مطالعه آن برای محققان بسیار ثمربخش خواهد بود. استاد در پایان این بخش در بیان تفاوتی کلی این ۲ نظام حقوقی مطالب ارزنده ای را بیان می فرماید که به اختصار به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. در نظام حقوق بشر از دیدگاه غرب ملاک و منابع تفسیر و توضیح مواد و بندهای آن معین نگردیده و نیز معلوم نشده است که چه مقامهایی حق دارند در تفسیر و تغییر دادن این حقوق دخالت کنند در صورتی که در اسلام ملاک تفسیر و به وجود آوردن تغییر و مقامهایی که می توانند دخالت کنند تعیین شده است.

۲. مشروعیت حقوق و آزادیهای مقرر در اعلامیه حقوق بشر از دیدگاه اسلام مشروط به موافقت آنها با احکام شرعی اسلام است.

۳. آن قسمت از جوامعی که مردم آنها معتقد به دین اسلام نیستند، از نظر حقوق و آزادیها و تکالیف، ملزم به آن قوانینی هستند که خود را ملزم به آنها می دانند و اسلام آنان را به قبول عقاید و احکام و حقوق و آزادیهای مقرر در قوانین خود مجبور نمی سازد؛ مشروط به اینکه مزاحم جوامع اسلامی و معتقدات آن نباشند. در صورتی که غرب درصدد تحمیل این موارد به کلیه جوامع می باشد.

۴. یکی از مهمترین تفاوتها میان دو نظام حقوق بشر از دیدگاه اسلام و از دیدگاه غرب در عامل ضمانت اجراست... در صورتی که عامل ضمانت اجرای حقوق بشر از دیدگاه اسلام مربوط به منابع دین اسلام است...

۹۹۹

۸. امر بمعروف و نهی از منکر:

در این مبحث مطالب ذیل آمده است:

آیات مربوط به امر بمعروف و نهی از منکر، حکم

فلسفه پرداخت زکات از نظر معصومان (ع) ریشه کن شدن فقر و تنگدستی است، پس می توان بر همین مبنا وجوب زکات را به موارد دیگری نیز تعمیم داد.

بدیهی عقل سلیم به ضرورت امر به معروف و نهی از منکر، راه اثبات اینکه یک عمل معروف و یا یک عمل منکر است چیست؟؛ چگونگی هموار ساختن راه دوم برای تحریک جدی مردم به معروف و جلوگیری آنان از منکر... راههای برانگیختن اراده و تقویت آن برای انجام شایستگیها (معروفها) و اجتناب از ناشایستگیها (منکرات).

۹. حرمت سقط جنین:

یکی دیگر از مباحثی که در این کتاب ارزنده بدان پرداخته شده است حرمت سقط جنین است. امروزه مشکلات اقتصادی و ترس از بچه دار شدن برای زن و شوهر، تا اقدام برای جلوگیری از بارداری برای کنترل مولید و متأسفانه فساد جنسی که متأسفانه در جوامع اسلامی نیز رو به گسترش است، همه و همه زن ها را درصدد سقط جنین خود برمی انگیزد.

در اسلام سقط جنین حرام است و این حرمت خود یکی از موانع گسترش این فعل حرام در جوامع اسلامی است. اما بسیاری از مسلمانان بطور کافی از حرمت این فعل اطلاع ندارند یا با دلایل گوناگون در مقام توجیه این عمل خلاف بر می آیند و...

لذا طرح این موضوع اولاً برای جوامع اسلامی و ثانیاً برای جوامع غیراسلامی نیز مفید و لازم است.

در این بخش ابتداء توضیحی مختصر درباره ابتدای خلقت انسان آمده است، سپس ادله حرمت سقط جنین پس از استقرار در رحم، و سپس استناد به چند مسئله روز اجتماعی که غالباً به عنوان انگیزه سقط جنین مطرح می شود پاسخ داده اند.

۱۰. مسئولیت مدنی ناشی از جرم کودکان بزهکار در

فقه و حقوق اسلامی:

این مبحث شامل مطالب ذیل می باشد:

نظری به تاریخ توجه به مسئولیت و تأدیب کودکان، مسئولیت مدنی ناشی از جرم در مورد کودکان بزهکار در حقوق اسلامی، مسئول بزهکاری کودکان کیست؟، مسئولیت رئیس خانواده، مسئولیت دولت، اختیارات دولت در کیفیت پیشگیری و تأدیب کودکان در حقوق اسلامی، مسئولیت افراد مورد اعتماد جامعه، کمیت و کیفیت تنبیه کودکان در فقه و حقوق اسلامی، ضرورت انعقاد وجدان در نفوس کودکان و...

در ابتدای این مبحث مسئولیت مدنی اینچنین تعریف شده است: ملزم ساختن افراد جامعه به جبران ضرری که به افراد دیگر یا به اموال یا به حیوانات وارد می گردد.

سپس در بخش دیگر آمده است: دلایل قاطعانه ای در مدارک حقوق اسلامی با وضوح کامل، مسئولیت به عنوان استحقاق کیفر (به معنای عمومی) ناشی از تکلیف را از کودکان سلب نموده است و در قاعده فقهی گفته می شود:

(چون کودکان مکلف نیستند، پس مجرم نیستند، لذا عقاب و کیفر نیز برای آنان وجود ندارد)

پس کودک مسئولیتی به عنوان استحقاق کیفر ناشی از تکلیف ندارد، زیرا هیچگونه تکلیفی متوجه او نیست. اما مسئولیت به عنوان استحقاق تأدیب چگونه؟ البته پرواضح است به کار بردن مسئولیت درباره کودکان مخصوصاً آن دسته که به رشد مغزی نرسیده اند بی مورد است. پس مقصود حقیقی از مسئولیت، تعلیم اصل بازخواست در جامعه بشری برای کودکان می باشد.

این مسئولیت درحقیقت برای معتقد ساختن شخصیت معتدل برای کودکان است که با مدیریت آن در زندگی آینده که جزئی از افراد جامعه متشکل خواهند بود، از ارتکاب بزه خودداری نمایند. سپس استاد به مواردی از تأدیبات مقرر برای کودکان اشاره نموده اند. در بخشی دیگر از مبحث، استاد دو قسم مسئولیت برای بزهکاری کودکان ذکر کرده اند.

۱. مسئولیت بزهکاری از نظر تکلیف ۲. مسئولیت مدنی جبران بزهکاری.

مسئولیت بزهکاری کودکان از نظر تکلیف به قرار زیر است.

مسئولیت رئیس خانواده، مسئولیت دولت؛ مسئولیت افراد مورد اعتماد جامعه.

مسئولیت مدنی جبران بزهکاری در قالب عنوان مسئولیت ناشی از مشمول بودن کودک به احکام وضعی مورد بررسی قرار گرفته است. و در ادامه نیز موارد دیگری بطور مستقل طرح گردیده که در سطور فوق به آنها اشاره شد. □

والحمد لله رب العالمین